

« زن و مطالعات خانواده »

سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز ۱۳۹۴

ص ص: ۴۰-۳۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۸

بررسی انواع خشونت‌های اعمال شده علیه زنان در رمان پریچهر

دکتر سوده مقصودی^۱

فاطمه حجازی‌مقدم^۲

سعیده درویشی^۳

چکیده

رمان با تجربه انسانی همراه با تخیل، سر و کار دارد و از طریق توالی حوادث بیان می‌شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه مشخصی شرکت دارند. در رمان‌های معاصر با وجود تحولات تازه، ردپای مردسالاری و زنان گرفتار خشونت، به وضوح دیده می‌شود. مقاله حاضر به بررسی خشونت علیه زنان در رمان پریچهر نوشته مرتضی مودب‌پور با بهره‌گیری از تئوری‌های نقد ادبی فمینیستی می‌پردازد. تکنیک به کار رفته در این پژوهش تحلیل محتوا است. حاصل مطالعه چنان می‌نماید که در این رمان خشونت نقش اساسی دارد و در قالب‌های گوناگون (آشکار و پنهان) ظاهر می‌شود و زنان را مغلوب می‌سازد. بیش‌ترین خشونت به کار برده شده در این رمان مربوط به خشونت پنهانی روانی و بعد از آن خشونت پنهان اقتصادی و سپس خشونت آشکار است. شخصیتی که در این رمان بیش‌ترین خشونت بر او اعمال شده شخصیت پریچهر می‌باشد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که رمان پریچهر با ساختاری مردسالارانه بیانگر ستم‌های جنسیتی، خشونت، سرکوب و حقارت زنان، در دو نسل متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: خشونت، زنان، رمان و پریچهر

maghsoodi299@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۲. کارشناسی پژوهشگری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

darvishi.bs@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول).

مقدمه

رد پای ستم بر زنان را در عرصه‌های زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی و از جمله در ادبیات داستانی می‌توان مشاهده کرد. رمان معاصر نیز از این قاعده مستثنا نیست. نقد ادبی فمینیستی نشان می‌دهد که چگونه ادبیات تقسیم‌بندی‌های جنسیتی را بازتولید می‌کند. در بخشی از ادبیات داستانی معاصر، زنان گرفتار ستم جنسیتی، خشونت، نابرابری، سرکوب و حقارت هستند و در نقش‌های «زن قربانی» و «زن فداکار» مطرح می‌شوند. زن، محنت‌کشی است که با وجود ضربه‌های مهلکی که دنیای مردانه بر او وارد می‌کند، برای نیک‌نامی به نقش «فرشته در خانه» تن می‌دهد. زن حتی در شرایطی که به وضعیت خویش واقف می‌شود، قربانی بودن را شرط بقا می‌داند. به این طریق ادبیات داستانی با ساختن این نوع شخصیت‌ها به طور غیر مستقیم زنان را به هم‌ذات‌پنداری با چنین شخصیت‌هایی دعوت می‌کند (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۶۸).

امروزه رمان غالب‌ترین ژانر ادبی معاصر است. از میان تمامی طرفداران رمان سهم زنان در این حوزه چه در قالب نویسندگی و چه در قالب خوانندگی به طور روزافزون در حال افزایش است، به نحوی که بسیاری از صاحب‌نظران از زنانه شدن ادبیات سخن می‌گویند (جوادی‌یگانه و ارحامی، ۱۳۸۸: ۲۲). رمان با تجربه‌ی انسانی همراه با تخیل سر و کار دارد و از طریق توالی حوادث بیان می‌شود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه‌ی مشخصی شرکت دارند (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

از سوی دیگر ادبیات داستانی شرایطی را مهیا می‌کند تا نوع بشر به مدد آن قهرمانان داستان را الگو قرار دهند. در این مسیر زنانی را می‌بینیم که حتی به سعادت خانگی نیز نمی‌رسند، در تیره‌روزی‌های خویش غوطه می‌خورند و آرزوی گریز از سیطره و خشونت مردان برای‌شان امری محال می‌شود. در ادبیات داستانی معاصر نیز با وجود تحولات تازه، ردپای مردسالاری به وضوح دیده می‌شود (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۶۸). در آثار داستان نویسانی جدید چون مرتضی مودب‌پور نیز عصاره‌ی خشونت، نابرابری و حقوق پایمال‌شده‌ی زنان انعکاس یافته است. تاکنون آثار چندی به مطالعه‌ی خشونت از بعدهای مختلف و نقد آثار نویسندگان پرداخته‌اند که از جمله‌ی آنها می‌توان به موردهای زیر اشاره نمود.

نتایج حاصل از مطالعه «خشونت علیه زنان در آثار دولت‌آبادی» چنان می‌نماید که خشونت در آثار دولت‌آبادی نقش اساسی دارد که با منشاءهای متفاوت و در قالب‌های گوناگون (آشکار و پنهان) ظاهر می‌شود و زنان را مغلوب می‌سازد (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۶۷).

در مقاله «زنان هرچه گویند باور مدار» تصویرهای نادرست و داستان مکر زنان در سندبادنامه منظوم بازنگری و به این نکته تأکید شده است که فرهنگ زنان ساخته و پرداخته فرهنگ مردانه است و فرهنگ مردانه زن را مطابق با اهدافش می‌سازد (جعفرجری، ۱۳۸۱: ۲۵).

در مقاله «تصویر زن در رمان‌های عامه‌پسند ایرانی» نویسنده به بررسی تصویر ترسیم شده از زن در ۲۱ رمان عامه‌پسند و پرفروش دهه اخیر می‌پردازد. نویسنده از این مقاله چنین نتیجه می‌گیرد که واگذاری نقش اصلی به زنان به معنای مقابله با برداشت‌های غالب از نقش زن در جامعه و خانواده نمی‌باشد، بلکه عمده آثار مورد بررسی منعکس‌کننده همین نقش در زمینه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای غالب فرهنگی می‌باشد (فرهنگی و میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۵).

در پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران تعریف جامع از انواع خشونت و اشکال مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارائه شده که ریشه در فرهنگ و سنت دارد. در این کتاب راه کارهایی برای جلوگیری از اعمال خشونت بر زنان پیشنهاد شده است (کار، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۷).

پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که ادبیات کودکان کلیشه‌های جنسی سنتی را تقویت می‌کنند. این به معنای وجود کلیشه‌ها، تصویر جهانی مردسالار، خشونت و ماهیت غیر واقعی جهان در اکثر داستان‌هاست. در افسانه‌های پریان زنان و دختران را وابسته و قربانی جلوه می‌دهند، حال آن‌که مردان، قهرمانانی عاشق‌پیشه و مشکل‌گشایانی زیرک‌اند (Howe, 2013: 55).

اگرچه تاکنون پژوهش‌هایی درباره‌ی مطالعه خشونت انجام شده است، اما در هیچ یک از این تحلیل‌ها به مطالعه خشونت در آثار مرتضی مودب‌پور با بهره‌گیری از تئوری‌های نقد ادبی فمینیستی توجه نشده است.

با توجه به اهمیت داستان معاصر در جامعه‌پذیری انسان و نمایاندن واقعیت یا شبه واقعیت در این مقاله سعی داریم به مطالعه نگرشی که از خلال رمان پریچر درباره‌ی زن انتقال داده می‌شود و جلوه‌های اصلی نابرابری زن و مرد پردازیم و همچنین نمود فرهنگ مردسالار که به وسیله داستان، زن را جنس دوم معرفی می‌کند، حقیقت را از دیدگاه زنان ناگفته باقی می‌گذارد و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های انسانی، شخصیت‌ها را بر مبنای ارزش‌های جنسیتی ارزیابی می‌کند، مطالعه شوند. بنابراین در این تحقیق سعی می‌گردد به سوال‌های زیر پاسخ داده شود:

- انواع خشونت علیه زنان در رمان پریچر به چه شکل‌هایی ظاهر می‌شوند؟

- کدام نوع خشونت در رمان پریچر بیشتر به چشم می‌خورد؟

نظریه فمینیستی ثابت می‌کند که خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد، خواه به شکل تجاوز جنسی، کتک زدن، زنا با محارم، آزار جنسی و خواه به شکل پورنوگرافی^۱ (فمینیست‌ها پورنوگرافی را مجموعه مواد و مطالب جنسی می‌دانند که جنس خشن و اجباری را ترسیم می‌کند) فراگیر و محصول فرهنگ مردسالار است که در آن مردان هم بر نهادهای اجتماعی و هم بر تن زنان کنترل دارند (هام، ۱۳۸۲: ۴۵۶).

کیت میل^۱ در کتاب سیاست جنسی^۲ بر این نکته تأکید می‌کند که مردسالاری به خشونت‌های نهادینه شده استوار است که در نظام‌های حقوقی، سقط جنین‌های غیر قانونی و تجاوز جنسی نهفته است (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۰).

در نوشته‌های فمینیستی از خاستگاه‌ها و معانی سیاسی خشونت مردان علیه زنان تفاسیری مختلف ارائه می‌شود. برای نمونه و بنابر استدلال جسیکا بنجامین^۳ ریشه خشونت مرد، خشونت مستتر در عقلانیت است. این خشونت در تمامی نهادهایی وجود دارد که شخص را تا زمان مرگش کنترل و به یک شیء تبدیل می‌کند. در مقابل، آندریا دنورکین^۴ خشونت را به درگیری ذهنی مردان با پورنوگرافی نسبت می‌دهد و می‌گوید: «پورنوگرافی، موتور اصلی خشونت است که در تاریخ ریشه دارد» (هام، ۱۳۸۲: ۴۵۶).

در کشورهایی که عقب نگاه داشته شده‌اند خشونت بر زنانی اعمال می‌شود که ناقض قوانین اجتماعی هستند. مگارژی معتقد است: خشونت، شکل افراطی رفتار پرخاش‌گرانه است که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخص به قربانی می‌شود. (Megargee, 1982: 85)

جرج ریتزر به سه نوع توصیف اصلی از موقعیت اجتماعی زنان اشاره دارد:

۱. موقعیت زنان با موقعیت مردان تفاوت دارد.
۲. زنان در موقعیت نابرابر با مردان به سر می‌برند.
۳. زنان در موقعیت یک گروه ستم‌دیده قرار دارند و ستم‌گران، همان مردان یا نظام اجتماعی مردگرایانه پدرسالاری‌اند.

نظریه‌پردازانی که موقعیت زنان را اساساً متفاوت از موقعیت مردان می‌انگارند این تفاوت را به سه صورت تبیین می‌کنند: شرایط اجتماعی - زیست‌شناختی، وضعیت نهادی اجتماعی شدن و موقعیت روان‌شناختی - اجتماعی را تشکیل می‌دهند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۶۵).

نظریه‌پردازانی که بر تبیین نابرابری تأکید می‌ورزند موقعیت زنان را بر حسب نظر فمینیسم لیبرال درباره ساختارهای فرصت نابرابر و ملاحظات مارکسیستی درباره جایگاه زنان به عنوان بخشی از یک نظام استثمار پیچیده طبقاتی در نظر می‌گیرند، در این نظام زنان به خاطر جنسیت و نیز جایگاه طبقاتی، استثمار می‌شوند و گاه زنان دیگر را استثمار می‌کنند (همان: ۱۶۵).

فمینیسم لیبرال به شدت متأثر از اندیشه مدرن است و فرض آن بر برابری زن و مرد است. از نیمه قرن ۱۹ شکل می‌گیرد و تا امروز ادامه دارد و اصلی‌ترین جریان فمینیستی در جامعه آمریکا به حساب

-
1. Kate Millet
 2. Sexual politics
 3. Jessica Benjamin
 4. Andrea Dworkin

می‌آید. نظریه‌پردازانی که بر ستمگری تأکید می‌ورزند این پدیده را بر حسب نظریه‌های روان‌کاوانه‌ای تبیین می‌کنند که بنابر آن‌ها مردان برای رسیدن به هدف‌های عمیق روان‌شناختی‌شان به گونه فطری نیاز به تحت انقیاد در آوردن زنان دارند. گروهی از این نظریه‌پردازان که پاسخ فمینیستی رادیکال به این پرسش می‌دهند، ریشه ستمگری پدرسالارانه را در توانایی و اشتیاق بیشتر مردها برای کاربرد خشونت جهت انقیاد دیگران می‌جویند (همان: ۵۱۶).

نظریه‌های فمینیستی در حال حاضر خشونت‌ها را پدیده‌های واحدی در نظر می‌گیرند و به جای طبقه‌بندی آن بر اساس انواع، در طبقه‌بندی آن بر اساس میزان و درجه‌ای که رفتار خشن به بقای سیستم همه‌گیر نظارتی مردان کمک می‌کند کوشش می‌شود. طیفی از خشونت‌ها در نهادهای مختلف جامعه مطرح شده و مدنظر است و بر روی تأثیر متقابل آنان بر یکدیگر تأکید می‌شود و در عین حال سهم خشونت و درجات مختلف آن بر حفظ بقای روابط نابرابر قدرت مدنظر قرار می‌گیرد. استدلال اساسی در این دیدگاه را می‌توان از دید مارتین که سال‌ها در حوزه خشونت فعالیت کرده است، چنین بیان کرد: مارتین معتقد است که ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع امروزی بر اساس بی‌ارزش شمردن، فرودستی و استعمار زنان شکل گرفته است. مفاهیمی مانند زنان کتک خورده و یا همسرآزاری را نباید فقط در سطح فرد یا روابط میان افراد در نظر گرفت، بلکه باید متغیرهایی را فراتر از ویژگی‌های افراد مانند اقتصاد، قانون‌گذار نهادهای نظارتی و چگونگی ارائه خدمات اجتماعی در نظر گرفت (مارتین، ۱۹۸۵: ۸).

آر. ای داباش و آر. دی داباش (۱۹۷۹) نیز معتقد هستند که در نظام مردسالاری زنان به صورت نظام یافته و از طریق به کارگیری خشونت‌های بدنی در موقعیت فرودستی نگاه داشته شده و می‌شوند. از دید آنان علت بی‌قدرتی نسبی زنان در روابط خانوادگی، بی‌ارزش شمردن فعالیت‌های تولیدی و بازتولیدی زنان در جامعه و خانواده و همچنین تأیید و مقدس دانستن اقتدار مردان در روابط بین زن و شوهر است، این دو عامل سبب می‌شود که زنان در خانواده نسبت به مردان از قدرت کمتری برخوردار باشند، چنان که پس از ازدواج نظارت مردان بر محدوده تحرک زنان آغاز می‌شود و برای این امر از خشونت جسمانی و انواع آن کمک گرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۲۵).

مردان در جامعه دارای قدرت و اقتدار بیشتری از زنان هستند و از طریق در دست داشتن اهرم‌های قدرت نه فقط زنان را از موقعیت‌های مقتدرانه به دور نگاه می‌دارند، بلکه قادرند بر اندام و رفتار زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی نیز نظارت کنند. در صورتی که زنان دست به رفتار غیرمجاز زنند مجازات خواهند شد (اعزازی، ۱۳۸۱: ۶۵).

به طور کلی برای توضیح خشونت‌هایی که زنان در معرض آن قرار دارند سه دیدگاه عمده وجود داشته که دو دیدگاه نخست در چهارچوب جهان‌بینی مرد محور جای دارد و دیدگاه سوم (از سوی فمینیست‌ها) به صورت نقدی بر نظریه‌های مرد محور و به منزله رویکردی جایگزین ارائه شده است.

سنت‌گرایان جرایمی مانند تجاوز و تهدید زنان را نادر می‌دانند و تصور می‌شود که بسیاری از زنان (و البته نه همه آنان) خود مسبب رفتار خشونت‌آمیزند. یعنی در مورد قربانی تجاوز جنسی می‌گویند که متجاوز را وسوسه کرده و سبب شده او مهار امیال جنسی خود را از کف بدهد. ظاهراً زن با رفتار خود در اماکن عمومی یا با «از راه به در بردن» و تشویق مرد به توقع رابطه‌ی جنسی مسبب چنین خشونت‌هایی است. البته پذیرفتنی است که بعضی از قربانیان بی‌گناه باشند ولی انتظار می‌رود بی‌گناه بودن خود را با شواهد قابل ملاحظه‌ای حاکی از مقاومت در برابر متجاوز و جراحات جسمی اثبات کنند. در مورد ضرب و جرح نیز تصور می‌رود که زنان به خاطر عدم توفیق در انجام وظایف خود استحقاق آن را دارند و مسئولیت کنترل بر همسر به عهده مرد است. در واقع تا سده ۱۹ در انگلستان مسئله به این صورت مطرح می‌شد که مرد تا چه اندازه می‌تواند زنی را بزند نه اینکه اصلاً مجاز به زدن او هست یا نیست. اصطلاح «قاعده‌ی انگشت» (که در زبان انگلیسی به معنای قاعده کلی است) برخاسته از یک رویه قضایی است که به مرد اجازه می‌دهد همسرش را با چوب بزند. مشروط بر اینکه چوب از انگشت شصت او ضخیم‌تر نباشد. تنها در اواخر سده ۱۹ بود که این شکل از ضرب و جرح زنان غیر قانونی اعلام شد. دیدگاه سنت‌گرایان در این مورد نیز مانند تجاوز می‌پذیرد که بعضی مردان بدون هیچ دلیلی همسر خود را کتک می‌زنند ولی این مورد را نسبتاً اندک می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

در دیدگاه لیبرال/روانی، خشونت نسبت به زنان مشکلی اجتماعی به حساب می‌آید، اما چندان اهمیتی برای آنان قائل نمی‌شوند. دو حالت وجود دارد: یا مرد مهاجم بیمار و پریشان است و یا زن قربانی سرش برای خشونت درد می‌کرده است. پس در مورد تجاوز جنسی، مرد متجاوز را بیمار روانی یا بی‌کفایت می‌انگارند یا اینکه می‌گویند زن قربانی مبتلا به خودآزاری است. به همین دلیل درباره مردانی که زن خود را کتک می‌زنند گفته می‌شود که در دوران کودکی در خانه کتک می‌خورده‌اند یا از روی سستی زن خود را می‌زنند یا اینکه زن ایشان می‌خواهد کتک بخورد. از این دیدگاه مردانی که نسبت به زنان خشونت می‌ورزند، بیمار و نیازمند درمان و یا قربانی زنان خشونت طلب پنداشته می‌شوند (همان: ۲۳۳).

به طور کلی در زمینه خشونت دیدگاه فمینیستی واحدی وجود ندارد، ولی همه رویکردهای فمینیستی خشونت نسبت به زنان را در متن وسیع‌تری بررسی می‌کنند که همان جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است.

در دهه ۷۰ فمینیست‌ها کوشیده‌اند تجاوز جنسی و کتک زدن همسر را علایم جدی خشونت مردان نسبت به زنان معرفی کنند. اما این رویکرد به تازگی مورد اعتراض واقع شده و فمینیست‌ها گفته‌اند هر چه را که موجب وحشت و ارباب‌زنان می‌شود باید در بستر کنترلی که مردان بر رفتار زنان دارند بررسی کرد.

رادیکال‌های فمینیست مدعی‌اند که هرگونه پیش‌روی جنسی مرد بر خلاف میل زن را می‌توان شکلی از تجاوز به حساب آورد که جامعه ما آن را نادیده می‌گیرد. به همین قیاس بهره‌کشی جنسی از

زنان و دختران در خانه محصول همان تصویری است که مردان را صاحب امیال جنسی مهارناپذیر و زنان را قربانی آن معرفی می‌کند. زیرا بهره‌کشان غالباً مردان و قربانیان اغلب زنان‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۳۴).

رویکرد مارکسیست به منشاء ستم زنان این گونه است که تابعیت زن از مرد را ناشی از هیچ‌گونه نقض بیولوژیکی جنسی نبوده است، بلکه منتج از تغییرات اجتماعی- انقلابی بود که جامعه متعادل تبار مدرسالاری یا طایفه‌ای را نابود کرد و جامعه طبقاتی پدرسالاری را به جای آن نشانده که از بدو تولدش با تعصبات و نابرابری‌های گوناگون زیاد، از حیطة نابرابری‌های جنسی متمایز گردید (رید، ۱۳۸۰: ۴۶). به زبان دقیق و علمی باید زنان را «جنس ستم‌دیده» تبیین کرد (همان: ۵۱). رابطه بین آمادگی‌ها و ارزش-ها به صوت عینی در نقش اجتماعی تحقق می‌یابد. شخصیت با نقش‌های اجتماعی که ایفا می‌کند به آمادگی‌هایش به گونه‌ای سازمان و آرایش می‌دهد که بتواند به انتقادات نقش‌ها و کنش‌ها پاسخ داده و در پرتو آن میان آمادگی‌هایش و ارزش‌هایی که الهام‌بخش نقش‌ها هستند هماهنگی ایجاد کند، به طور کلی از گذر نقش‌های اجتماعی است که هدف‌های محلی انتظام می‌یابد و به نفع آن‌ها هماهنگی میان نقش‌های اجتماعی و ارزش‌ها ایجاد می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

نقد ادبی فمینیستی تا اواخر سال‌های ۱۹۶۰ به مثابه نگرشی آگاهانه و جمعی در ادبیات مطرح نبود. در عین حال این نقد ریشه در تاریخ دو سده مبارزه در راه احقاق حقوق زنان داشت و بر آثاری از این قبیل متکی بود. آثاری چون «حقانیت حقوق زن / مری ولستن کرافت» از نظر تاریخی ادبیات همواره به طرق گوناگون موقعیت زنان را تحت سلطه فرهنگ مردسالار نشان داده است در متون ادبی، زنان نسبت به مردان نقش کم‌اهمیتی دارند و فعالیت آن‌ها محدود است. تصاویری که از زنان در ادبیات نشان داده شده است غیر واقعی است. نقد ادبی فمینیستی همواره زنان را در اجتماع تحلیل نمی‌کند، گاه به مسائل کوچکشان در خانه یا به علایق شخصی آنان نیز می‌پردازد.

یکی از دغدغه‌های نقد فمینیستی پرداختن به مسائل و موضوع‌های زنانه در ادبیات زنان است (مانند پرداختن به بررسی زندگی ناگوار خانوادگی، تجربه‌های خاص زنان و ...) زنان در این گونه تصویرها عاطفی‌تر و نسبت به واکنشی که از خود در قبال تحریکات محیط خارج از خانه بروز می‌دهند، درونی‌ترند.

نقد ادبی فمینیستی نقدی است ادبی که از آگاهی فمینیستی بهره گرفته باشد. این نوع نقد به دلیل غیبت زنانه و خوار شمرده شدن نوشتار زنان در تاریخ می‌پردازد (روزبه و طالبی، ۱۳۸۹: ۹۷).

وسیع‌ترین تقسیم‌بندی اجتماعی، تقسیم‌بندی نوع بشر به زن و مرد است. چون مردان در جامعه به منابع قدرت بیش‌تری دسترسی دارند، بستری مساعد برای اعمال نفوذ آن‌ها فراهم می‌شود. در این میان ادبیات داستانی که یکی از عوامل نهادینه کردن بسیاری از ارزش‌ها و جامعه‌پذیری آن‌هاست، عاملی برای تثبیت هنجارهای اجتماعی می‌شود که همواره از نمایش تغییرهای جایگاه زنان در جامعه اجتناب

می‌کند. بنابراین ادبیات داستانی با نمایش کلیشه‌های جنسیتی به بازتولید خشونت دامن می‌زند (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۰).

منتقدان فمینیست میان ادبیات و ایدئولوژی اجتماعی پیوند برقرار می‌کنند و به این منظور به شیوه‌هایی توجه دارند که ایدئولوژی اجتماعی در ادبیات و انواع ادبی بازتاب پیدا می‌کند و می‌کوشد نشان دهد که جامعه مردسالار بر چه ساز و کارهایی استوار است و چه اهدافی از آن محافظت می‌کند. هدف نقد زن محور، پی‌ریزی چارچوبی مؤنث برای پدید آوردن الگوهای جدید بر اساس تجربه‌های زنان است (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۰).

ابزار و روش

تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیقی است که به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد. مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سامان می‌یابند. این روش بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سامان یافتگی جهان دست یافت (Wilkinson, 2003: 68). تکنیک تحلیل محتوا فرصتی فراهم می‌کند که محقق، مدارک را مطالعه و با شمارش موارد خاص در قالب مقوله‌های تعریف شده، مشاهدات خود را نظام‌مند کند. در این پژوهش نیز از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این مقاله ابتدا با استفاده از تحلیل محتوای کمی، شاخص‌ها مطالعه و برای تکمیل نتایج به تحلیل کیفی پرداخته شده است. در راستای تأیید تفسیرها به گفت و گوهای به کار رفته در رمان اشاره و با توجه به نتیجه تحلیل کمی تفسیرها، تحلیل کیفی بیان شده است و به این طریق عناصر اساسی مولد خشونت از متن استخراج شدند.

جامعه آماری این تحقیق شخصیت‌های زن اصلی و فرعی رمان پریچهر مرتضی مودب‌پور است. در این پژوهش خشونت‌ها به دو دسته تقسیم شده‌اند: الف) آشکار ب) پنهان

خشونت آشکار شامل خشونت فیزیکی یعنی آسیب رساندن به اعضای بدن با کتک و خشونت لفظی (دشنام، تهدید و انحصارطلبی مردانه) است.

خشونت پنهان خود به زیر مجموعه خشونت‌های روانی و اقتصادی تقسیم می‌شوند:

خشونت پنهان اقتصادی شامل؛ تن‌فروشی، شیره‌کش‌خانه، محرومیت مالی و ...

خشونت پنهان روانی شامل؛ کم‌انگاری، محرومیت از حمایت خانواده، تصمیم‌گیری به جای زن،

آزار جنسی، هوو آوردن، طلاق، خودکشی، فرار از خانه و ... (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۱).

یافته‌ها

بر اساس آمارهای به دست آمده از تحلیل محتوای کمی رمان پریچهر زنان در معرض خشونت‌های حاد و غیر قابل انکار قرار دارند که نوع و میزان آن به تحصیلات، پایگاه اجتماعی و حضورشان در جامعه بستگی دارد. در نسل قدیم که محیط اجتماعی رمان بسیار سنتی است درصدی بالا از خشونت‌ها در حوزه‌ی خشونت آشکار قرار می‌گیرند. در نسل جدید حضور پررنگ‌تر زنان در اجتماع باعث می‌شود خشونت پنهانی نقشی پررنگ‌تر داشته باشد.

خشونت آشکار

خشونت آشکار زمانی رخ می‌دهد که فرد دارای اقتدار بدنی، روانی، اجتماعی و اقتصادی از قدرت خود عکس تمایل دیگری و برای وادار کردن شخص به رفتارهای دلخواه خود استفاده کند. به علت اینکه مردان به منابع اقتدار بیشتری دسترسی دارند، امکان بروز خشونت از جانب آن‌ها بیشتر می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۸).

جدول ۱: توزیع انواع خشونت آشکار بر حسب شخصیت زنان

شخصیت نوع شخصیت	پریچهر		عزت		عالم تاج		آذر		فرخنده خانم		جمع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کتک	۲۸	۷	۱۰	۲	۵۰	۱	۲۵	۱	۵۰	۱	۴۸	۱۲
تهدید	۴۰	۱	۰	۰	۵۰	۲	۵۰	۲	۰	۰	۱۶	۴
دشنام	۲۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰	۱	۲۸	۷
انحصار طلبی مردانه	۱۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸	۲
جمع	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲	۱۰۰	۲	۱۰۰	۴	۱۰۰	۲	۱۰۰	۲۵

جدول ۱، توزیع انواع خشونت آشکار بر حسب شخصیت زنان را در میان نسل سنتی در رمان پریچهر نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول ملاحظه می‌کنید، بیش‌ترین خشونت آشکار اعمال شده مربوط به کتک با ۴۸ درصد و بعد از آن دشنام با ۲۸ درصد و سپس تهدید با ۲۰ درصد می‌باشد و کم‌ترین میزان خشونت آشکار مربوط به انحصارطلبی مردانه (۸ درصد) است. شخصیتی که بیش‌ترین خشونت آشکار بر وی اعمال شده شخصیت پریچهر می‌باشد و بعد از آن شخصیت آذر قرار می‌گیرد.

تهدیدهای آشکار فرج الله تسلیم کردن پریچهر از خشونت‌های آشکار در این رمان محسوب می‌شود که همه این رفتارها در راستای این صورت می‌گیرد که پریچهر وادار به اطاعت از فرج الله در پذیرایی از مردان غریبه در هنگام کشیدن تریاک شود.

"... دیگه واسه من جفتک نداز و دلت رو بده به کارت (تریاک دادن) نترس از وجاهت و خانمی‌ات کم نمی‌شه، نون منو آجر نکن وگرنه آتیشت میزنم" (مودب‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

از جمله خشونت‌های آشکار به صورت کتک شامل رفتارهای تهاجمی امرالله با عزت و دخترش است.

"امرالله با ذرع آهنی (متر آهنی که پارچه رو متر می‌کنن) افتاده بود به جون عزت، دختر بزرگ عزت هم که برای دفاع از مادرش آمده بود هم بی نصیب نموند" (همان: ۳۹۶).

مادر شوهر پریچهر نیز که هرگز قصد سازش با او را ندارد، برای وادار کردن پریچهر به انجام کارهای غیراخلاقی همواره او را تحقیر و به او دشنام می‌دهد.

"... یه روز مادر شوهرم به اتاق آمد. زهرخندی رو لبش بود. عفریته گفت چند وقت دیگه میخوای مثل جنازه بخوابی پاشو ... و ... جمع کن ..." (همان: ۲۳۱).

نوع دیگر از خشونت آشکار را در انحصارطلبی مردان نسبت به زنان می‌توان دید. به عبارت دیگر مردان زنان را فقط برای ارضای نیازهای جنسی خود می‌خواستند.

"... نه عشق، نه دوستی داشتی، جز نفرت چیز دیگری نبود، اون زمان ما زن‌ها مثل آفتابه بودیم تا با ما کار داشتند عزیز بودیم کار آقا که تموم می‌شد دوباره می‌رفتیم گوشه خلاء" (همان: ۲۱۹).

خشونت پنهان

در جوامع سنت‌گرا به طور معمول هرگونه تشخص مستقل برای فرد، به ویژه زن، را به رسمیت نمی‌شناسند و ارزش‌ها همواره بر محوری یکنواخت دور می‌زند که در این محور کمتر کسی امکان می‌یابد شخصیت مستقل خویش را بروز دهد. به همین علت برای گسترش این فضا ارزش‌هایی هم‌چون مطیع بودن، ناتوانی، تقیه و اختفای شخصیت حقیقی، به انواع گوناگون در هیئت فرهنگ بازدارنده متجلی می‌شود (احمدی خراسانی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

به گفته گالتونیک با نهادینه کردن خشونت ساختاری و درونی کردن خشونت فرهنگی، خشونت مستقیم نیز به صورت خشونت نهادینه شده در جامعه وجود خواهد داشت. یعنی به عبارت دیگر؛ آن‌جایی که فرهنگ خشونت وجود دارد، خشونت نیز امر طبیعی تلقی می‌شود (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۹۳).

چنان که در جدول ۲، ملاحظه می‌شود بیشترین درصد خشونت پنهان روانی اعمال شده در زمان پریچهر مربوط به محرومیت از حمایت خانواده با ۲۴ درصد و بعد از آن آزار جنسی و احساس ناامنی با ۱۶ درصد می‌باشند و به ترتیب کم‌انگاری با ۱۴ درصد، تصمیم‌گیری به جای زن با ۹/۵ درصد، سوگ فرزند و هوو آوردن با ۶/۲۵ درصد، محرومیت جنسی با ۵ درصد و فرار از خانه با ۳ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. شخصیتی که بیشترین خشونت پنهان روانی بر وی اعمال شده شخصیت پریچهر می‌باشد و بعد از آن شخصیت فتانه (کوکب) قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی خشونت پنهان اقتصادی اعمال شده بر شخصیت‌های زن رمان

شخصیت نوع خشونت	پریچهر	عفت	سوسن خانم	لیلا	فرخنده خانم	فتانه (کوکب)	عزت	آذر	جمع
فراوانی	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۴
تن‌فروشی	درصد	۱۲/۵	۱۰۰	۰	۰	۱۶/۵	۰	۱۰۰	۱۷/۵
فراوانی	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴
شیره‌کش‌خانه	درصد	۵۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷/۵
فراوانی	۲	۰	۱	۳	۱	۲	۱	۰	۱۰
محرومیت مالی	درصد	۲۵	۰	۱۰۰	۵۰	۳۳/۵	۱۰۰	۰	۴۳/۵
فراوانی	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲
کار طاقت‌فرسا	درصد	۱۲/۵	۰	۰	۵۰	۰	۰	۰	۸/۵
فراوانی	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۳
روسپی‌خانه	درصد	۰	۰	۰	۰	۵۰	۰	۰	۱۳
فراوانی	۸	۱	۱	۳	۲	۶	۱	۱	۴۳
جمع	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۳، توزیع فراوانی خشونت پنهان اقتصادی اعمال شده بر شخصیت‌های زن رمان پریچهر را نشان می‌دهد. همانگونه که در این جدول ملاحظه می‌کنید، بیشترین درصد خشونت پنهان اقتصادی اعمال شده در زمان پریچهر مربوط به محرومیت مالی با ۴۳/۵ درصد و بعد از آن به ترتیب تن‌فروشی و شیره‌کش‌خانه با ۱۷/۵ درصد، روسپی‌خانه با ۱۳ درصد و در آخر کار طاقت‌فرسا با ۸/۵ درصد قرار

گرفته‌اند. در این نوع خشونت شخصیتی که بیشترین خشونت پنهان اقتصادی بر وی اعمال شده شخصیت پریچهر می‌باشد و بعد از آن شخصیت فتانه (کوکب) قرار می‌گیرد. در محیطی تاریک که زنان در حصار ستم گرفتارند و عاطفه مجال بروز ندارد، زنانی مانند مادر پریچهر که از بی‌بند و باری شوهرش به تنگ آمده و دیگر تحمل بی‌مهتری شوهرش را ندارد دست به فرار می‌زند و فرزندان خود را رها می‌کند.

"... پدرم اصلا به ما توجهی نداشت پول می‌ریخت تو خونه و دیگه هیچی، دو روز دو روز ما را نمی‌دید به مادرم هیچ توجهی نداشت حتی جواب سلامش را هم نمی‌داد، مادرم اون موقع ۲۸ سالش بود پدرم هر شب یا دو شبی یک بار یکی از رفقاش (زن) را می‌گرفت می‌آورد خونه ... یه کارگر پیری داشتیم که گویا دلش به حال مادرم سوخته بود و اونو از خونه فراری داده بود" (مودب‌پور، ۱۳۸۴: ۲۴۵).

نوعی دیگر از خشونت تصمیم‌گیری به جای زن است، زنانی که برای آینده خود هیچ حق انتخابی ندارند و این مردان هستند که آینده آنان را انتخاب می‌کنند و به جای زن تصمیم می‌گیرند، مانند پریچهر ۹ ساله که با تصمیم پدرش زن فرج الله ۵۰ ساله می‌شود.

"... پریوش [خواهر پریچهر] خواهر بزرگترم را در ۱۰ سالگی به یک مرد سی و چند ساله شوهر داده بودند" (همان: ۸۴).

"... تا چند روز دیگر آماده می‌شوی و به خانه بخت می‌روی من این فرج الله خان را برای تو [پریچهر] به شوهری انتخاب کرده‌ام از این به بعد باید همان‌طور که حرف‌های منو گوش می‌دادی حرف فرج الله خان رو هم گوش کنی" (همان: ۱۴۹).

از دیگر خشونت‌هایی که در این رمان مطرح می‌شود آزار جنسی است، رابطه جنسی دختر بچه‌ای نابالغ با مردی میان‌سال، دختری که از نظر جنسی و روحی آمادگی پذیرش پیرمردی مانند فرج الله را ندارد و در شب عروسی ساعت‌ها در چنگال او فریاد می‌کشد. این رفتار عین تجاوز جنسی است، تجاوزی که همه آن را امری بدیهی تصور می‌کنند و کسی به فکر چاره و نجات دختر نیست.

"... من را به اتاقی بردند که بعدها فهمیدم به اون حجله می‌گویند و توی رختخوابی که بوی هل و گلاب می‌داد خواباندند هنوز که هنوز از این بو نفرت دارم تازه چشمم گرم شده بود که با ساییده شدن صورتی زبر و خشن به صورتم از خواب پریدم، وحشت کرده

بودم، فقط صورت فرج الله خان را جلوی صورتم می‌دیدم دستی چندیش آور روحم را آزد ... بوی بد عرق تنش حاله را بهم می‌زد فقط دست و پا می‌زدم که خودم را از دستش نجات بدم ... جیغ می‌کشیدم با هر فریاد عجز من پشت درهای اتاق همه دست می‌زدند و هلهله می‌کشیدند دیگر توانی برایم نمانده بود و تسلیم شدم ... یه مرد ۵۰ ساله با دختر ۹ ساله ... "(همان ۱۵۳-۱۵۲).

زنان بازیچه هوسرانی مردانند و تن و زیبایی آنها حاصلی جز خدمت به مردان در برابر پول ندارد و به این ترتیب در معرض خشونت‌های پنهان قرار می‌گیرند.

"... یه روز صبح عفت بزک دوزک کرده بود و یه مرد تند همراه مادر شوهرم وارد خونه شد - عفت ... اگر بدونی چه عشوه‌ای می‌آمد لوندی این و قریون صدقه اون مردک، گفت پریچهر را راهی کن یه روز ۲ ساعت با من از خونه بیرون بیاید یه پول طلا بهت میدم، حروم لقمه خیلی خوشکلی شده" (همان: ۲۲۶).

"... مرتیکه دراز کشیده بود و من جلوش چهارزانو نشست بودم و بهش تریاک می‌دادم مرد آروم خودش را به من می‌مالاند ... چند دقیقه بعد مردک با دستش شروع به دستمالی من کرد ..." (همان: ۳۲۵).

زنی که پشتیبان و دلسوزی ندارد و از حمایت پدر و مادر و خانواده محروم است، بعد از ازدواج مجبور به ساختن با شرایط موجود است.

"... گریه‌ام گرفته بود اگر پدر و مادر حسابی داشتم حداقل اینکه یک تحقیق می‌کردند می‌فهمیدند که امرالله یک زن و چهار دختر دارد" (همان: ۳۹۵).

"... فتانه: اگر بابام اینقدر بیچاره و فقیر نبود الان من اینجا نبودم، از بدبختی، بابام منو فروخت به ۵ کیسه گندم ..." (همان: ۳۲۲).

از دیگر خشونت‌هایی که در این رمان بیان می‌شود هوو آوردن است. عزت زنی که بعد از سال‌ها زندگی و ساختن با فقر شوهر و با وجود داشتن ۴ فرزند، زمانی که جوانیش در خانه شوهرش تمام شده و سنی ازش گذشته است، با آمدن یک حریف تازه نفس باید از میدان برود. پریچهر نیز زمانی که دیگر از خفقان این جامعه مردسالار و پر از نابرابری به تنگ می‌آید و راهی برای رهایی خود نمی‌یابد دست به خودکشی می‌زند.

"... یه شب که همه خواب بودند آروم بلند شدم از توی مطبخ پیت نفت رو برداشتم و با کبریت اومدم تو حیاط، نفت را ریختم روی خودم و کبریت را کشیدم آتش زبانه کشید یه جیغ هم نکشیدم ... یه موقع دیدم امرالله با پتو پرید روی من ..." (همان: ۴۷۱).

به طور خلاصه زنان در داستان‌های مودب‌پور عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی سنت و آداب و رسوم مردسالارانه جامعه‌اند و همواره به دنبال پناهگاهی برای خود هستند (مانند حمایت و پشتیبانی سهراب خان برای پریچهر). در این رمان زنی (پریچهر) به تصویر کشیده می‌شود که اراده‌ای از خود ندارد و فقط برایش تصمیم می‌گیرند. رمان ارتباط مستقیم با مفهوم طبقه‌بندی اجتماعی دارد و هر چه طبقه اجتماعی پایین‌تر باشد، این سوالات راجع به زن پررنگ‌تر می‌شود (کوکب که به دلیل فقر خانواده از روستا به خانه پدر پریچهر می‌رود و آنجا ناگزیر فاحشه می‌شود).

زنان این رمان دو راه بیشتر ندارند:

- ۱- فرار از محرومیت‌ها و رفتن به بیراهه؛ زنان باید تابع مقررات و قوانینی باشند که از سوی مرد خانواده بر ایشان وضع شده و در غیر این صورت به بیراهه ختم می‌شد.
- ۲- در این رمان زنان حق انتخابی برای خود قائل نیستند و اجباراً به جبر و محیط خانواده و اجتماع تن می‌دهند. گریختن از هنجارهای مسلط تنها به معنای بدبختی و فلاکت زن است.

"... فرگل: خوش به حالتون مردا خیلی راحت هستند ... هر وقت دلتون بخواد بیرون میرین هر وقت بخواین بر می‌گردین خیلی راحت و آزادین، ما زن‌ها تا دختر تو خونه‌ایم حق نداریم بدون اجازه پدر و مادر از خونه تکون بخوریم ... وقتی هم که ازدواج می‌کنیم باید مطیع شوهرمون باشیم" [۱۵].

در این رمان فضای خانه و آشپزخانه متعلق به زن و فضای بیرون از خانه متعلق به مرد است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با استفاده از نقد ادبی فمینیستی خشونت علیه زنان را برای شخصیت‌های زن در رمان پریچهر نوشته مرتضی مودب‌پور مورد مطالعه قرار داده‌ایم. مطالعه رمان از منظر نقد ادبی فمینیستی نشان می‌دهد که به طور کلی خشونت به ویژه خشونت آشکار در زمان گذشته بیشتر بوده است و هر چه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم، از میزان خشونت آشکار کاسته می‌شود. رمان پریچهر به نوعی تعدیل نظام مردسالارانه را بیان می‌کند که فرهنگ‌های پابرجا و مستحکم نظام مردسالارانه قدیم در این رمان کم رنگ می‌بازد.

در این پژوهش خشونت را به دو دسته خشونت آشکار و خشونت پنهان تقسیم‌بندی کرده‌ایم که خشونت پنهان نیز به دو دسته خشونت پنهان روانی و خشونت پنهان اقتصادی تقسیم می‌شود. طبق یافته‌های به دست آمده در رمان پریچهر بیشترین خشونت که به چشم می‌خورد مربوط به خشونت پنهان و آن هم از نوع خشونت پنهان روانی می‌باشد. طبق آمار به دست آمده ۱۲ شخصیت زن رمان مورد خشونت پنهان روانی قرار گرفته‌اند که بیشترین آمار مربوط به خشونت پنهان روانی از نوع محرومیت از حمایت خانواده با ۲۴ درصد می‌باشد.

بعد از خشونت پنهان روانی خشونت پنهان اقتصادی بیشترین آمار را دارا می‌باشد. طبق اطلاعات پژوهش ۸ شخصیت زن رمان پریچهر مورد خشونت پنهان اقتصادی قرار گرفته‌اند که بیشترین آمار ابتدا مربوط به محرومیت مالی با ۴۳ درصد و بعد از آن مربوط به تن‌فروشی و شیره‌کش‌خانه هر کدام با ۱۷ درصد می‌باشد. در نهایت خشونت آشکار قرار می‌گیرد که ۵ شخصیت زن رمان مورد تعرض آن قرار گرفته‌اند که بیشترین درصد آن مربوط به کتک با ۴۸ درصد و بعد از آن دشنام با ۲۸ درصد و تهدید با ۱۶ درصد است.

شخصیتی که در هر سه خشونت بیشترین درصد را دارا بوده و بیشترین خشونت‌ها بر وی اعمال شده است، شخصیت پریچهر می‌باشد که خشونت پنهان روانی اعمال شده بر شخصیت او ۵۰/۵ درصد، خشونت پنهان اقتصادی ۳۴/۵ درصد و خشونت آشکار ۷۱/۵ درصد می‌باشد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که همه‌ی ابعاد خشونت علیه زنان کم و بیش در رمان پریچهر وجود دارد، این نتیجه با مطالعه‌ی واصفی و ذوالفقاری (۱۳۸۸) که اظهار می‌دارد خشونت در آثار دولت‌آبادی نقش اساسی دارد و در قالب‌های آشکار و پنهان ظاهر می‌شود و زنان را مغلوب می‌سازد، همخوانی دارد. خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد، محصول فرهنگ مردسالار است. مردان در جامعه به منابع قدرت بیشتری دسترسی دارند، بنابراین بستری مساعد برای اعمال نفوذ آن‌ها فراهم می‌شود. به عبارت دیگر اقتدار و سلطه‌ی مردان در خانواده از دیرباز ریشه در تاریخ بشری داشته و در طی سالیان دراز نقش اساسی در خشونت علیه زنان بازی می‌کند. در خانواده‌ها منابع قدرت بیشتر در دست مرد است و زنان فاقد سرمایه‌ها و منابع گوناگون هستند. مناسبات به گونه‌ای است که مرد بر زن تسلط و برتری دارد و همین سلطه‌جویی منشا فشار، اجبار و بدرفتاری است. مردان خشونت را برای تداوم و تحکیم اختیارات خود و مهار زنان به کار می‌گیرند و در این بین این زنان هستند که قربانی خشونت می‌شوند.

ادبیات داستانی نیز با نمایش کلیشه‌های جنسیتی به بازتولید خشونت دامن می‌زند. نویسنده شخصیت‌هایش را در دنیایی از نابرابری تصور می‌کند و هیچ راه فراری برای زنان نمی‌بیند. زنان خشونت دیده در گوشه و کنار داستان به زندگی خود ادامه می‌دهند و کم‌ترین امکانات و قدرتی برای دفاع از خود ندارند. خشونت‌های مختلفی که زنان در رمان پریچهر تجربه می‌کنند، می‌تواند انعکاسی از خشونت‌هایی باشد که در جامعه وجود داشته و مودب‌پور آن را در رمان خود آورده است. در واقع مودب‌پور، بی‌پروا با

بازنمایی خشونت‌های رایج در اجتماع آن‌ها را از پشت پرده‌های انکار بیرون می‌کشد و نمایش می‌دهد. زنانی از دو نسل را به تصویر می‌کشد که خشونت‌های مختلف را تحمل می‌کنند و در سراسر زندگی اسیر سلطه‌ی پدر، شوهر و ... می‌مانند.

خشونت‌هایی که در رمان انعکاس یافته می‌تواند بر افراد جامعه تاثیر بگذارد و آنان نیز یا به تبعیت از این رمان نسبت به زنان خشونت‌های مختلف را اعمال کنند و یا با مشاهده‌ی خشونت‌هایی که نسبت به زنان اعمال شده است، از خشونت خودداری نمایند. به عبارت دیگر ممکن است مطالعه‌ی رمان‌هایی از قبیل پریچهر که نشان‌دهنده‌ی خشونت علیه زنان است، برای خوانندگان مخرب قلمداد کرده، از این رو مشاهده‌ی انواع خشونت در رمان، خشونت‌ورزی را به آن‌ها منتقل کند. البته باید این نکته را نیز مدنظر داشت که طرح خشونت لزوماً به ترویج حس خشونت‌ورزی نمی‌انجامد، بلکه گاه چنان تأسف و نفرتی در فرد ایجاد می‌کند که او را از خشونت بیزار می‌سازد. خواننده با مردان خشنی که در رمان حضور دارند، هم‌ذات‌پنداری و همدلی نمی‌کند تا بگویی در دنیای واقعیت نیز خشونت را پیشه خواهد کرد. این رمان خشونت را مطرح می‌کند اما آن را تایید و خواننده را به پذیرش آن ترغیب نمی‌کند.

منابع

- احمدی خراسانی، نوشین. (۱۳۸۴)، **زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها**، تهران، نشر توسعه، چاپ اول.
- اعزازى، شهلا. (۱۳۸۰)، **خشونت خانگی زنان کتک خورده**، تهران، نشر سالی، چاپ اول.
- آبوت، پاملا و کلر، والاس. (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- جعفری جزنی، مسعود. (۱۳۸۱)، **زنان هر چه گویند باور مدار**، زنان، ۹۱.
- جوادی یگانه، محمد رضا و آسیه، ارحامی. (۱۳۸۸)، دختران دانشجو و خوانش رمان، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست- پژوهش زنان**، ۲۷، ۵۰-۳۱.
- جهانبگلو، رامین. (۱۳۸۴)، **ایران در جستجوی مدرنیته**، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- روزبه، محمدرضا و مریم، طالبی. (۱۳۸۹)، نقد فمینیستی مجموعه داستان‌های شیوا ارسطویی، **دو فصلنامه تخصصی علوم ادبی**، سال سوم، ۵، ۱۲۴-۸۹.

روشه، گی. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات تبیان، چاپ اول.

ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، چاپ اول.

رید، ایولین. (۱۳۸۰). **آزادی زنان**، ترجمه: افشنگ مقصودی، تهران، نشر گل‌آذین، چاپ اول.
فرهنگی، علی‌اکبر و تژا، میرفخرایی. (۱۳۸۹). تصویر زن در رمان‌های عامه‌پسند ایرانی، **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی**، شماره ۱، ۶۳-۹۳.

کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹). پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران، **روشنگران و مطالعات زنان**، تهران، چاپ اول.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ اول.
مارتین، البرو. (۱۹۸۵). **مقدمات جامعه‌شناسی**، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی، چاپ اول.

مودب‌پور، مرتضی (۱۳۸۴). **رمان پریچهر**، تهران، نشر نسل نواندیشان، چاپ پنجم.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۳). داستان و ادبیات، تهران، نشر آیه مهر، چاپ دوم.

واصفی، صبا و حسن، ذوالفقاری. (۱۳۸۸). خشونت علیه زنان در آثار دولت آبادی، **پژوهش زنان**، شماره ۱، ۶۷-۸۶.

هام، مگی. (۱۳۸۲). **فرهنگ نظریه‌های فمینیستی**، ترجمه: نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران، نشر توسعه، چاپ اول.

Howe, Michael. (2013). **Dramatic Gender Difference in NPR Stories**, Media and ntertainment, No 23-55.

Megargee E.I. (1982). Psychological Determinants and Correlates of Criminal Violence. In M.Wolfgang a N.Weiner (Ed), **Criminal violence**. Beverly Hills, CA: Sage.

Wilkinson, David & Birmingham, Poter. (2003). **Using Reserch Innstruments: A Guide for Researchers**. London: Routledge.